

♦♦ بنفشه صیاد:

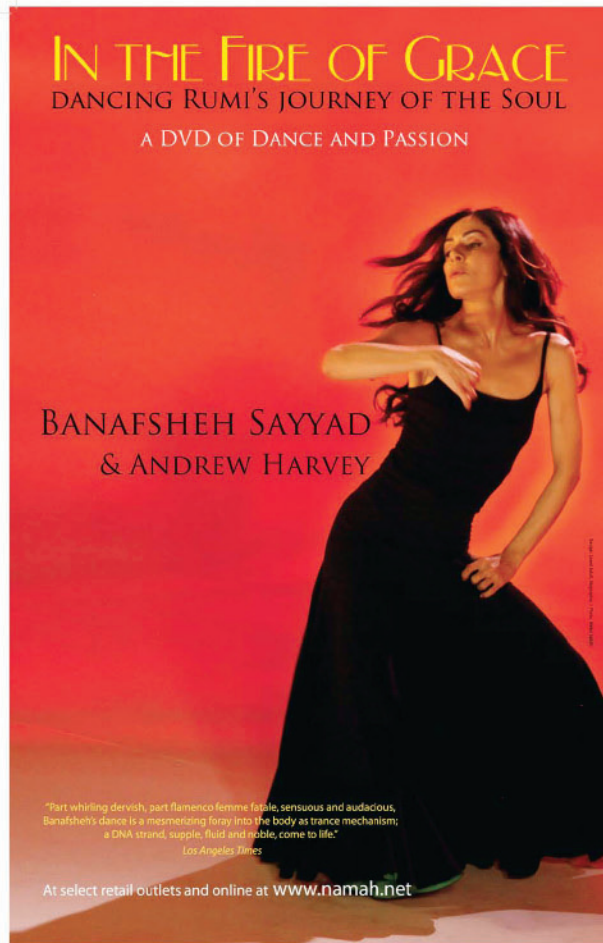
رقص

راهی برای رهائی و آزادی از قید و بند نفسی است!

حسن فیاد

بنفشه صیاد در خانواده ای هنرمند به دنیا آمد. چند سالی در این فکر بود که مثل پدرش، پرویز صیاد، فیلمساز شود ولی الهه رقص او را برگزید و شور و شوق بی حد و حصر او به رقص، آیت و خودجوئی اجرای زنده و خلاقیت در لحظه اجرا بر او پیروز شد. بنفشه در استودیو های رقص و دانشگاه UCLA به مطالعه در رشته رقص و طراحی رقص پرداخت و مدرک MFA خود را از این دانشگاه دریافت کرد. معنویت و رقص، هر دو، از دوران کودکی برایش جذابیت داشته و مورد عشق و علاقه اش بوده است. در کودکی که در آتش اشتیاق به معنویت می سوخت، به اسلام رو آورد. در نوجوانی، اما، مولانا جلال الدین رومی او را به مذهب عشق و عالم وحدت رهنمون شد. رقص بنفشه آمیزه ای است از رقص زمینی، آتشین و پُرشور فلامینکو، رقص متین و زیبایی ایرانی، و نیز رقص تایی چی که احساس درونی همه حرکات، و تجلی عالم یگانگی است. با این حال، سماع که خلسه و حل شدن در عالم عشق است مایه و محور اصلی رقص اوست که فرم آن طی چندین سال گذشته و ضمن اجرای گوناگون تکامل یافته است. رقص بنفشه صیاد، رقصی است عرفانی که در آن دل آدمی در ارتباط با خداوند قرار می گیرد؛ رقصی روحانی و زیبا که با اندیشه ای به سوی نور، نعمت و رحمت پروردگار همراه است و رقصنده بر گرداگرد دایره ای، با تشعشع نور الهی در ضمیر خود می گردد تا سرانجام شاید در چرخ از این چرخش ها، دلش به سوی معشوق راهی گشاید و بتواند لحظاتی چند در آن نور مستحیل شود و آرام گیرد. رقص های تک نفره بنفشه و نیز رقص های گروهی او با کمپانی رقصش موسوم به «نماه» (Namah) بطور گسترده ای در جشنواره ها و کشورهای گوناگون از جمله آمریکای شمالی، اروپا، استرالیا به اجرا در آمده و با استقبال کم نظیری روبرو شده است. او در کارگاه های گوناگون رقص در کشورهای اروپایی و ترکیه نیز تدریس کرده است و هم اکنون در لس آنجلس به تدریس در کارگاه های رقص خود ادامه می دهد. این گفتگو به مناسبت نمایش فیلم «In The Fire of Grace» بنفشه صیاد در «کانون فیلم» انجام گرفته است.

photos by MEHRI SAHIHI



رقص برای من گریز یا رهائی از جسم یا جان نیست. وسیله ای برای پیوند این دوست. رهائی از نفس است، از عقل و باورهایی که ما را محدود و ناچیز نگه می دارند.

حسن فیاد: شما در خانواده ای سینمایی - تئاتری به دنیا آمدید . چطور شد که به رقص گرایش پیدا کردید؟

بنفشه صیاد: همانطور که می دانید رقص مادر تئاتر است و بی تردید، سینما فرزند تئاتر! من همیشه عاشق رقص بوده ام و اولین خاطرات دوران کودکی، خاطرات مربوط به رقص است. پس، اساساً، راه و چاره دیگری، در واقع، برایم وجود نداشت. الهه رقص مرا برای رقصندگی برگزیده بود! چند سالی در این فکر بودم که مثل پدرم فیلمساز شوم ولی شور و شوق بی حد و حصر من به رقص، آیت و خودجوشی اجرای زنده و خلاقیت در لحظه اجرا بر من پیروز شد.

باشد. و چنین کاری، لازمه اش با تمام وجود زندگی کردن است.

- رقص از نظر شما رهائی از جسم است یا جان، و یا هر دو؟

بنفشه صیاد: رقص برای من گریز یا رهائی از جسم یا جان نیست. وسیله ای برای پیوند این دوست. اما چون مایلید بدانید که برای من رهائی از چیست، باید بگویم رهائی از نفس است، از عقل و باورهایی که ما را محدود و ناچیز نگه می دارند.

- رقص شما آیا داستانی را باز می گوید یا بیشتر بیانگر احساسات درونی شماست؟

بنفشه صیاد: بعضی از رقص های من داستانی را بازگو می کنند و بعضی دیگر بیشتر بیانگر احساسات درونی من اند. ولی همه دارای پیام هستند.

- شما از رقص های اسپانیایی متأثر شده اید. آیا از «دوران طلایی» فیلم های موزیکال آمریکا که شامل رقص و آواز هم می شود، هیچ تأثیری پذیرفته اید؟

بنفشه صیاد: من اغلب این فیلم های موزیکال را دیده ام و بی شک، تحت

- در این رشته هم تحصیل کرده اید؟ کجا و چه مدرکی دریافت کرده اید؟

بنفشه صیاد: بله. رقص را هم در استودیو و هم در دانشگاه فرا گرفته ام. در دانشگاه UC Irvine، اساساً روی رقص فلامینکو برای دریافت لیسانس کار کردم. بعد در دانشگاه کالیفرنیا، UCLA، به تحصیلات خودم در رشته رقص و طراحی رقص ادامه دادم و فوق لیسانس هنرهای زیبا را در رشته رقص از این دانشگاه دریافت کردم.

- تحصیل در این رشته را به علاقه مندان به رقص لازم می دانید و توصیه می کنید یا مدرسه رفتن کافی نیست؟

بنفشه صیاد: فرا گرفتن رقص چه در استودیوهای رقص یا دانشگاه برای هر کسی که به طور جدی می خواهد حرفه اش رقص باشد، لازم است. اما برای رسیدن به مرحله مهارت و هنرمندی، تنها فرا گرفتن تکنیک و تسلط بر آن کافی نیست. بلکه لازمه کار، ایجاد راه و رسمی است که بیانگر همه احساسات و دنیای درون رقصنده به وسیله بدنش

با طراحی رقص، فضا،
صحنه های پُر تحرک،
و زمان را می توان باز
آفرید. همچنین می توان
اصل های ابدی و نامحدود
را در آنچه فانی و محدود
است، بیان و القاء کنیم.

تأثیر شادی، سرزندگی محض، و نحوه ستایش آنها از زندگی، قرار گرفته ام.
— سینما از نظر حرکت با رقص ارتباط زیادی دارد. کلمه سینماتوگرافی به
زبان یونانی یعنی حرکت نگاری. رقص و سینما هر دو هنر زمان و مکان اند.
شما در رقص چگونه به حرکات خود فرم و مفهومی تازه می دهید؟
بنفشه صیاد: بله، سینما و رقص خیلی به هم نزدیک اند. با طراحی رقص،
فضا، صحنه های پُر تحرک، و زمان را می توان باز آفرید. همچنین می توان
اصل های ابدی و نامحدود را در آنچه فانی و محدود است، بیان و القاء کنیم.
— گفته اند آنجا که سخن باز می ماند موسیقی آغاز می شود. ولی برای
شما با رقص است که موسیقی آغاز می شود. آیا بدون موسیقی، رقص فرم
و مفهوم خود را از دست می دهد؟

بنفشه صیاد: رقص و موسیقی با هم خویشاوندند. از نظر من، رقص
به منزله موسیقی، و بدن به منزله ساز است. زمانی که با نوازندگان یا
با آهنگ یک قطعه موسیقی ضبط شده می رقصم، احساس
می کنم جزئی از گروه نوازنده هستم و
امواج صدا را متجلی و پدیدار می کنم. با
این حال، بارها، با نزدیک ماندن به چشم انداز
درونی و واکنش به نیروی پیرامونم، در سکوت محض،
رقصیده ام. در اولین سال برنامه فوق لیسانس طراحی رقص در
دانشگاه UCLA، هر هفته ناچار بودیم رقصی را بدون موسیقی طراحی
کنیم. طول این قطعات بدون موسیقی از ده دقیقه به نیم ساعت افزایش
یافت. این چالش زیبایی برایم بود چون همیشه در ارتباط با موسیقی
رقصیده بودم و تمرینی بود که رقصنده را رها می کرد تا رقص در درون
خود تکامل یابد و بدون وابستگی به هیچ چیز ابراز گردد.
گاهی از تماشاگران می شنوم که هنگام رقص آنقدر شیفته رقصم
می شوند که موسیقی کاملاً ناپدید می شود و به گوش نمی آید.
فکر می کنم این قضیه تا حدودی به آموزش آن دوران
مربوط می شود که فقط باید بر آنچه با رقص خود
بیان می کنم، متکی باشم.

— رقص، اصلی جهانی را، که در پس زبان نهفته
است، بیان می کند و تفاهمی جهانی را که به مرز
و بوم و فرهنگ خاصی تعلق ندارد، به نمایش
می گذارد. فکر نمی کنید رقص زبان
مشترک همه مردم جهان است؟

بنفشه صیاد: بله، رقص
زبانی همگانی و جهانی است و
قدیمیترین شکل بیان است که به
پیش از تاریخ زبان شفاهی باز می گردد.

بقیه در صفحه ۸۲



بقیه از صفحه ۴۸

– از چه زمانی با درس های معنوی و شعر مولانا جلال الدین آشنا شدید؟

بنفشه صیاد: برای من همیشه مسائل معنوی جذابیت داشته است. معنویت و رقص، هر دو، از دوران کودکی مورد عشق و علاقه ام بوده اند. در کودکی که در آتش اشتیاق به معنویت می سوختم، برای تسکین به اسلام رو آوردم. در نوجوانی، اما، مولانا جلال الدین مرا به مذهب عشق و عالم وحدت رهنمون شد.

– اشعار مولانا را چگونه به صورت رقص تعبیر و طراحی می کنید؟

بنفشه صیاد: من ذات و جوهر اشعار را بیان می کنم. با پیام شعرها در هم می آمیزم. از خود تهی می شوم و می گذارم که پیام از سراپای وجودم جلوه گر شود. پیام، مرا به رقص وا می دارد و در وجودم می رقصد.

– رقص فلامینکو و تای چی و ... با سماع مولانا چه ارتباطی دارد و این ها را چگونه با هم تلفیق می کنید؟

بنفشه صیاد: چهار فرمی که من اساساً در فرم خودم ترکیب می کنم و رقص یگانگی (Dance of Oneness) می نامم، عبارتند از فلامینکو، رقص ایرانی، تای چی و سماع. ممکن است این رقص ها ارتباط آشکاری با یکدیگر نداشته باشد اما من از این فرم ها نه بخاطر ارتباط آنها به یکدیگر، بلکه برای اینکه بیانگر گستره وسیعی از احساسات اند، برداشت می کنم؛ احساساتی که وضعیت متضاد و در عین حال متعادل انسان را تجسم می بخشد. فلامینکو زمینی، پُرشور و آتشین است. رقص ایرانی، متین و زیباست. تای چی، احساس درونی همه حرکات و تجلی عالم یگانگی است. سماع خلسه و حل شدن در عالم عشق است.

– رقص شما تماشاگر را به جهانی اسرار آمیز و خیال انگیز می برد و در آن دل آدمی در ارتباط با خداوند قرار می گیرد. آیا این همان چیزی است که شما از مولانا آموخته اید؟

بنفشه صیاد: این همان چیزی است که من در اعماق وجودم احساس می کنم و نیز در اشعار ایشان بازتاب یافته است.

– به نظر شما، عشق از نظر مولانا برای ارتباط آدمی با پروردگار است یا بنیاد همه روابط انسانی است؟

بنفشه صیاد: عشق هر دو اینهاست. عشق میان انسان و خالقش را به راستی فقط زمانی می توان متجلی کرد که آن را به سوی خود و تمامی انسان ها هدایت کنیم.

– مولانا می گوید: رقص آن نبود که هر زمان برخیزی / بی درد چو گرد از میان برخیزی / رقص آن باشد گز دو جهان برخیزی / دل پاره کنی و ز سر جان برخیزی. رقص را چگونه تعریف می کنید؟ اصلاً تعریف کردنی است؟

رقص راهی برای رهائی و آزادی از قید و بند نفس است!



سماعی را که من
اکنون اجرا می‌کنم
پیامش این است
که چگونه در میان
آشوب، تمرکز و در
لحظه، حضور داشته
باشیم و چگونه تعادلی
میان نیروهای متضاد
و متفاوت بوجود بیاوریم

– کلاس های رقص شما فقط به رقص های
معنوی اختصاص دارد یا رقص های دیگری را هم به
علاقه مندان می آموزید؟

بنفشه صیاد: کلاس های من «رقص یگانگی»
(Dance of Oneness) نام دارد که تلفیقی از
رقص و معنویت است. رقص ایرانی، رقص
فلامینکو، رقص آئینی، و سماع تدریس
می‌کنم. کلاس های رقص من یک بُعد مشخص
بدن سازی هم دارند و چون رقص از دیدگاه من
خاصه ای معنوی است، در کلاس ها به انسان سازی
نیز می پردازیم.

– برای زنان ایرانی که می خواهند در عرصه
این هنر فعالیت کنند، راه و روش خاصی را توصیه
می کنید؟

بنفشه صیاد: توصیه من این است که، بی آنکه
نگران اظهار نظرهای دیگران باشید یا بگذارید
احساس شرم در وجودتان تأثیرگذار باشد،
احساسات خود را بیان کنید. همانطور که مولانا
می گوید:

«اگر تو عاشق عشقی و عشق را جويا

بگیر خنجر تیز و بئر گلوی حیا!»

عشق و هنر خود را خیلی جدی بگیرید، و برای
پرورش آن از آموختن و تحصیل غافل نشوید. در
تمرین های خود منضبط باشید و از معشوق
راهنمایی بطلبید. جام خود را طوری آماده کنید
که بتواند شراب ازلی ابدی معشوق را در خود
جای دهد. از دیگر زنان هنرمند کاملاً حمایت
کنید و نگذارید رقابت و حسادت دنیای درون
شما را تیره کند. هر یک از ما، منحصر به فرد
است و از قریحه ای بی همتا برخوردار است.
باید به یکدیگر یاری رسانیم. در سرزمین
معشوق جایی برای همه هست. به گفته مولانا:

«ملکی است اورازفت و خوش، هر گونه ای می بایدش»

به نظر من اوج خلاقیت در این است که روح
خلاقیت را در کالبد دیگران بدمید. هرچه بیشتر
از خلاقیت خواهان و برادران خود حمایت کنید
و الهامبخش آنها باشید، خلاقیت در شما بیشتر
شکوفای خواهد شد.

بنفشه صیاد: فکر می‌کنم این نقل قول
رقص را کاملاً تعریف می‌کند. من به عنوان
رقصنده، مفهوم رقص را با رقص بیان
می‌کنم نه با کلام. با این حال، توضیحی بدهم
که کارگاه رقص خود را با آن آغاز می‌کنم. رقص
می‌تواند وسیله ای باشد برای شناخت خود حقیقی
در پس نقاب روزمره مان و می‌تواند این امکان را به
وجود آورد تا در حد کمال توانائی خود زندگی کنیم.
رقص فرصتی است برای اعتلا و زندگی معنوی در
این دنیا. راه و رسمی است برای یکی شدن در
درون خودمان، با دیگران، و با تمامی هستی. رقص
راهی برای رهائی و آزادی از قید و بند نفس است.

– سماع مولانا را اغلب در ایش مرد انجام می‌دهند
اما سماع شما چیز دیگری است. چگونه به این فرم دست
یافتید و آن را متحول کردید و تکامل بخشیدید؟

بنفشه صیاد: من بیست سال است که این نوع
رقص را انجام می‌دهم. سماعی را که من اکنون
اجرا می‌کنم، طی سال ها از علاقه من به حفظ
حالت های متضاد خلسه، تمرکز و حضور در لحظه،
تکامل یافته است و پیامش این است که چگونه در
میان آشوب، تمرکز و در لحظه، حضور داشته باشیم
و چگونه تعادلی میان نیروهای متضاد و متفاوت
به وجود بیاوریم؛ تعادل میان دنیای درون و بیرون.

– اخیراً فیلمی به اتفاق «آندرو هاروی» تهیه
کرده اید. لطفاً کمی درباره این فیلم و قصد خودتان
از تهیه آن توضیح دهید.

بنفشه صیاد: فیلم In The Fire of Grace
سیر و سفری است در پنج مرحله که به وسیله
رقص، شعر و پیام های مولانا بیان می‌شود.
مجموعه ایست از رقص های من و شعر مولانا. این
فیلم را به منزله تلفیق دو عشق اصلی من، رقص و
پیام های مولانا، تهیه کرده ایم. هدفمان بیان چندی
از پیام ها از طریق رقص برای جهانیان بود.

– این فیلم را از کجا می‌شود تهیه کرد؟

بنفشه صیاد: علاقه مندان می‌توانند به وب سایت
من مراجعه و آن را خریداری کنند:

www.namah.net

